# بررسی رابطه مومنان از دیدگاه قرآن کریم به عنوان راهکاري کاربردي براي اشاعه منطق گفتگو و وحدت امت اسلامي

بررسی رابطه مومنان از دیدگاه قرآن کریم

به عنوان راهکاري کاربردي

براي اشاعه منطق گفتگو و وحدت امت اسلامي

رضا عبداللهي

دانشجوي کارشناسي ارشاديان و عرفان- دانشگاه تهران

چکیده:

انسان موجودی اجتماعی است وبنابر طبیعت خویش باید در اجتماع و در ارتباط با افراد دیگر زندگی کند. در یک جامعه اسلامی نیز مومنان درارتباط با افراد دیگر و مخصوصاً مومنان هستند و بخش عظیمی از زندگی خود را در تعامل با دیگران سپری میکنند. از آنجا که دین اسلام دینی کامل و همه جانبه است وبه همه ابعاد زندگی انسانها پرداخته است؛برای هدایت انسانها و رسیدن آنها به سعادت در دنیا و آخرت، برنامهها و اصول خاصی را در جهت ساماندهی صحیح روابط بین مومنان ارائه داده است. قرآن مجید و سنت شریف؛ دو منبع اساسی برای بیان این برنامه هدایت هستند، که این اصول و دستورالعملها در آنها مطرح شده است که احصاء، دسته بندی، شناسایی و تبیین این اصول برای پیاده کردن آن امری ضروری است.

این تحقیق درصدد آن است که اصولی را که فرد مومن باید در ارتباط با دیگر مومنان به کار گیرد، از قرآن مجید استخراج و به بحث و بررسی آن به عنوان راهکاري کاربردي براي اشاعه منطق گفتگو و وحدت امت اسلامي بپردازد؛چرا که قرآن مجید به عنوان حبل المتین امت اسلامي، مي تواند بهترین راهکارها را براي تقریب و وحدت امت اسلامي ارائه دهد و با توجه به این که قرآن به عنوان یکي از مهمترین نقاط

مشترك مسلمانان است وهمگان درعمل به دستورات متعالي آن اتفاق نظردارند؛ با سرلوحه قرار دادن راهكارهاي قرآني ميتوانيم شاهد پيشرفتهاي چشمگيري در رسيدن به وحدت اسلامي باشيم.

تعاريف:

(يک) ايمان- مومنان:

الف- واژه شناسی:

واژه «ايمان» مصدر باب افعال و «مومن» اسم فاعل از آن باب و از ريشه «امن» است.واژه شناسان «امن» را به اطمينان يافتن نفس و ازاله ترس و ضد خوف معنی كردهاند[1] . اما «ايمان» ضد كفر و ضد -تكذيب است و ابن منظور با استناد به گفتار واژه شناسان معنای «تصديق» را برای ايمان ذكر می كند[2]؛ بر اين اساس مومن به معنای مصدق است.

ب- اصطلاح شناسی:

راغب در تعريف از ايمان ميآورد: اگر ايمان اسم باشد، اسم برای شريعتی است كه محمد (ص) آورده «ان الذين آمنوا و الذين هادوا و الصابئون...»[3]؛ يعنی كسانی كه ايمان آورده و كسانی كه يهودی و صابئی اند؛ ... اما اگر ايمان مدح باشد، اذعان و تصديق به حق است به اجتماع سه چيز؛ تحقيق قلب، اقرار با زبان و عمل با جوارح.

ابن منظور در تفاوت ايمان با اسلام ميگويد: اظهار خضوع و تسليم نسبت به آن چيزی كه رسول آورده اسلام است،اگر اين اظهار همراه با اعتقاد و تصديق قلبی باشد؛ ايمان است[4]. طبرسی در تعريف از ايمان ميآورد: ايمان تصديق به خدا و پيامبران، ملائكه و جهان ديگر است[5]. علامه طباطبايی، ايمان را اين چنين تعريف ميكند: ايمان عبارتست از جايگير شدن اعتقاد در قلب و اين كلمه از ماده (ء- م- ن) اشتقاق يافته، كانه شخص با ايمان، به كسی كه به درستی و راستی و پاكی وي اعتقاد پيدا كرده، امنيت می دهد؛ يعنی آن چنان دل گرمی و اطمينان ميدهد كه هرگز در اعتقاد خودش دچار شک وترديد نميشود، چون آفت اعتقاد و ضد آن، شک و ترديد است[6].

(دو) ارتباط اجتماعی:

ارتباط از نظر لغوی واژهای عربی از باب افتعال است كه در فارسی به صورت متعدی و به معنای پيوند -دادن، ربط دادن با و به صورت اسم مصدر به معنای بستگی، پيوند، پيوستگی و رابطه استعمال می شود[7].

دانشمندان علوم اجتماعی نيز در تعريف ارتباط مينويسند:«ارتباط را ميتوان جريانی دانست كه در طی آن دو نفر يا بيشتر به تبادل افكار، نظرات، احساسات، عقايد خود ميپردازند و از طريق به كار بردن پيام هايی كه معنايش برای كليه آنها يكسان است به انجام اين امر مبادرت ميورزند.» به طور كلی

ارتباط انسانها اساس شکل گیری جامعه انسانی به معنای واقعی و منشاء فرهنگ و عاملی در راه ارتقای انسانی است؛ فقدان آن به معنای سکون نسبی در حیات انسانی و مانعی در راه هر نوع تعالی اجتماعی است[8]. هر گروه و اجتماعی وقتی از یگانگی برخوردار میشوند که اعضای آن حس کنند به آن تعلق دارند. در این صورت حاضرند برای نیل به هدف مشترک با هم کار کنند و وقتی روح جمعی در میان انبوهی از انسانها پدید میآید، باعث می شود آنها طوری احساس، فکر و عمل کنند که با احساس، فکر و عملشان هنگامی که تنها هستند، فرق میکند[9].

فرامین قرآن کریم نیز بدین جهت است که این روابط را به گونهای ساماندهی کند، که احساس تعلق و یگانگی و روح جمعی در میان مومنان پدید آید و جامعه اسلامی را به تعالی و ارتقایی که شایسته آن است برساند. این تحقیق در صدد آن است که بتواند گامی در جهت نیل به این هدف بردارد.

روابط مومنان با مومنان:

رحمت در واقع اساس و مبنای روابط در بین مومنان است. رحمت از ریشه (ر ح م) به معنای مهربانی است[10]. این موضوع در قرآن کریم بسیار مورد توجه بوده است؛ رحمت در قرآن گاهی متوجه خداوند[11] و گاهی درخصوص رسول خدا[12] و گاهی در مورد مومنان و روابط میان ایشان[13] است.

اساس تمامی ادیان به ویژه دین اسلام رحمت است؛زیرا انسان را به راه راست و طریق صحیح و نعمتهای الهی هدایت میکند واز پیامبر اسلام هم به عنوان «رحمه للعالمین» یاد می شود،زیرا اختصاص به همه عصرها و نسلها دارند. رحمت در روابط مومنان با یکدیگر نیز جداگانه در قرآن کریم مورد تاکید قرار می گیرد. «محمد رسول ا و الذین معه اشداد علی الکفار رحماء بینهم»[14]؛ مطابق این آیه شریفه، مومنان با رحم و عطوفت و مهربانی در بین خودشان رفتار می کنند که طبیعتاً یکی از آثار و برکات این رحم و رحمت و عطوفت، ایجاد اخوت و برادری است؛«انما المومنون اخوه»[15]، که این برادری نیز موجب عفو و گذشت و مهربانی برادران در حق همدیگر میشود؛«ولیعفوا ولیصفحوا الا تحبون ان یغفر ا لکم وا غفور رحیم»[16]، در چنین اجتماع با فضیلتی است که بر روابط آن عفو و گذشت و مهربانی حکمفرماست و نیرو و توان آن برای ایجاد امت واحده و مدینه فاضلهای به کار می رود.

اصل کلی رحمت در روابط به چهار بخش تقسیم میگردد:

الف- روابط اجتماعی ب- روابط اخلاقی

ج- روابط اقتصادی د- روابط حقوقی

الف- روابط اجتماعی:

روابط اجتماعی، مهمترین جنبه روابط مومنان با یکدیگر در جامعه اسلامی است؛ زیرا اسلام دینی اجتماعی

است و برای اجتماع جایگاه والایی قائل است و سعادت فرد و اجتماع را از هم جدا نمیداند. از این رو بخش روابط اجتماعی را با تفصیل بیشتری نسبت به سایر بخشها مورد بررسی قرار میدهیم.

1. اخوت و برادری

به کارگیری برادری در روابط مومنان، اساسیترین و مهمترین جنبه روابط اجتماعی است. با رعایت این اصل افراد مومن واحد و یکپارچه می شوند وجامعه اسلامی را شکل می دهند که مصداق «کنتم خیر امه اخرجت للناس»[17] باشد. براین اساس، برادری مومنان سنگ بنای روابط اجتماعی همچون محبت و مودت، انفاق، امر به معروف و نهی از منکر، عدالت، مشورت و اصلاح روابط و حتی روابط اخلاقی، اقتصادی و حقوقی است.

دین اسلام برای هر چه نزدیکتر شدن مسلمانان، به تشریع قانون «برادری دینی» میپردازد؛ «انما المومنون اخوه فاصلحوا بین اخویکم واتقوا ا لعلکم ترحمون»[18]. این آیه شریفه با اسلوب حصر «انما» همراه شده، تا یادآوری کند که اخوت و برادری منحصر و محدود به مومنان است. ایمانی که -مومنان را به حالت برادری با یکدیگر نرساند، ایمان حقیقی نیست. آنگاه به برادران مومن فرمان می دهد که روابط میانشان را به نحوی نیکو درآورند؛زیرا اصلاح روابط و ایجاد تفاهم و زدودن کدورتها ودشمنی ها و تبدیل آن به صمیمیت و دوستی یکی از مهمترین برنامههای اسلامی است و به اندازهای به این موضوع اهمیت داده میشود که به عنوان یکی از برترین عبادات معرفی می گردد. حضرت علی (ع) می فرماید: از پیامبر(ص) شنیدم، که میفرمود: اصلاح رابطه بین مردم از انواع نماز و روزه برتر است[19].

قرآن کریم، ایجاد الفت و برادری بین مومنان را یکی از نعمتهای خود برمیشمارد؛«فالف بین قلوبکم فاصبحتم بنعمته اخوانا»[20] ، تکرار واژه نعمت در این آیه در حقیقت برای گوشزد کردن اهمیت نعمت برادری و اخوت است. قرآن، بهترین دعای مومنان در حق برادران مومن شان را به آنها میآموزد که:«ربنا اغفرلنا ولاخواننا الذین سبقونا بالایمان و لاتجعل فی قلوبنا غلا للذین آمنوا ربنا انک رئوف رحیم»[21] ؛یعنی پروردگارا بر ما و بر آن برادران مان که در ایمان آوردن از ما پیشی گرفتند، ببخشای و در دل هایمان نسبت به کسانی که ایمان آوردهاند کینهای مگذار، پروردگارا راستی که تو رئوف و مهربانی.

از جمله آثاری که به برادری دینی بار می شود؛ محبت و دوستی، تعاون و همکاری و وحدت و یگانگی است و از این رو برادری در جامعه اسلامی اصل است[22]

حکمت تشریع قانون برادری دینی و دوستی در راه خدا و تاکید بر وجوب محبت مسلمانان، همان وحدت کلمه و یکپارچگی امت اسلامی است؛ که یکی از مهمترین خصیصههای جامعه اسلامی محسوب میشود و ضامن حفظ و بقای آن در برابر انواع بلایا و مشکلات است. از این رو، دین مبین اسلام همواره تلاش کرده تا در سایه

برادری و برابری، این خصیصه را در جامعه اسلامی بوجود آورد و رحمت و عطوفت را در قلب های مومنان بیدار کند. در همین راستا، پیامبر بزرگوار اسلام(ص) فرمودهاند: خداوند میان مومنان عقد اخوت جاری نمود تا قلبهایشان را نسبت به یکدیگر مهربان و نزدیک کند و از مومنان یک امت متحد و همدل بسازد.

2- عدالت با مومنان

«عدالت» از ریشه (ع د ل) به معنی مساوات و برابری و دادگری است[23] . عدالت در اسلام از اهمیت بالایی برخوردار است وخصوصاً در مباحث اجتماعی بسیار مورد تاکید قرار دارد. اجرای عدالت درجامعه از ضروریات هر جامعهای است؛ زیرا تنها در این صورت است که جامعه دوام پیدا کرده و پابرجا میماند. خداوند در آیات فراوانی دعوت به عدل و قسط میکند[24]. از جمله عهدهایی که خداوند از امت مسلمان گرفته و قوام جامعه بشری بر آن استوار است، عدل است. عدل مطلقی که به خاطر دوستیها ودشمنیها و مصلحتها و یا هوای نفس از میزان اصلیاش عدول نکند[25].

3-امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر، دو اصل اساسی در روابط مومنان برای اصلاح و محافظت از جامعه اسلامی -است و قرآن کریم به صراحت امر به معروف و نهی از منکر را از ویژگی مردان و زنان با ایمان برمی شمارد[26]. امر به معروف و نهی از منکر از لوازم و واجبات اجتماع معتصم به حبل ا است[27]. خداوند در آیه دیگري از قرآن، به بخشی از امت اسلامي فرمان فراخواندن به خیر و نهی از منکر جامعه را می دهد و آن افراد را رستگار میداند[28].

همچنین خداوند متعال در آیهای دیگر نیز، ضمن تقدیم امر به معروف و نهی از منکر بر ایمان به خدا، امت اسلام را به خاطر این صفات بهترین امتها معرفی میکند[29]. این آیه به طور ضمنی بیان می کند، که شما به واسطه ایمانی که به خدا دارید و امر به معروف و نهی از منکری که میکنید، بهترین امتی هستید که من آفریدهام؛ یعنی شرط برتری شما این دو موضوع است[30].

با توجه به این که هر زیان فردی، احتمال این را دارد که به صورت یک زیان اجتماعی درآید، بر این اساس منطق و عقل هم به افراد اجتماع اجازه میدهد که در پاک نگه داشتن محیط جامعه از هرگونه تلاش و کوششی در زمینه امر به معروف و نهی از منکر کوتاهی نکنند.

4- اصلاح ذات البین

اصلاح از ریشه (ص ل ح) در لغت یعنی مسالمت و سازش، که راغب آن را از بین بردن نفرت میان مردم معرفی کرده است[31]. اصلاح ذات البین، یکی از برنامههای اجتماعی مهم و اساسی دین مبین اسلام است که برعهده مومنان نهاده شده، تا از ایجاد تفرقه در جامعه اسلامی جلوگیری کند؛ زیرا هیچ چیز به اندازه دشمنیهای داخلی و تفرقه در بین مومنان جامعه اسلامی را تهدید نمیکند و خطر این مسئله برای امت

اسلامی، حتی از دشمنان خارجی نیز مهم تر است، زیرا میتواند جامعه اسلامی را از درون تهی و متلاشی کند.

از این رو دین اسلام به مومنان دستور می دهد که هرگاه بین سایر مومنان مشکل و درگیری پیش آمد، به اصلاح روابط بین آنها پرداخته و جلوی ریشه دار شدن مشکل را بگیرند و دشمنی را به سازش و دوستی تبدیل کرده و پیوند امت اسلامی را بیش از پیش مستحکم کنند[32]. رسول اکرم (ص) نیز میفرمایند: «صلاح ذات البین افضل من عامه الصلوه و الصیام»[33]. آیات و روایات حاکی از این است، که اصلاح ذات البین در اسلام بسیار مورد تاکید است و اگر هر کس به نوبه خود سعی کند به این فرمان الهی عمل کند و رابطه بین مومنان اطراف خود را اصلاح کند، این اصل مهم و اساسی به تدریج در سراسر جامعه اسلامی پیاده خواهد شد و در نتیجه اتحاد و اتفاق نیز میان مومنان برقرار میشود ومستحکم باقی میماند.

5- امانت داری

امانت داری یکی از ویژگیهای مهم اجتماعی مومنان است، که در آیات و روایات متعددی مورد سفارش و تاکید قرار می گیرد. خداوند متعال در مورد مومنان میفرماید: «والذین هم لاماناتهم و عهدهم راعون»[34]؛ تعبیر راعون (مراعات کنندگان) برای امانت بسیار دقیق است؛ زیرا نشانگر علاقه شدید مومنان به حفظ اموال دیگر مومنان است که حتی بیشتر از اموال و دارایی شخصی خود بر آن مراقبت و محافظت دارند[35]. در آیه اي دیگر نیز خداوند مومنان را از خیانت در امانت نهی میکند[36] و در جای دیگر امر به ادای امانت می کند؛ «ان ا یامرکم ان تودوا الامانات الی اهلها...»[37].

لازم به یادآوری است که امانت مصادیق فراوانی را دربرمی گیرد؛ از جمله مقام و موقعیت های اجتماعی، فرهنگها و میراثهای تاریخی و... که جزء امانت های الهی محسوب میشوند. دانشمندان نیز امانت دارانی هستند، که باید حقایقي که نزد آنان امانت است را آشکار کنند و بسیاری از مصادیق آشکار و نهان دیگر که می توان برای امانت برشمرد. اهمیت امانت داری به قدری است، که قرآن کریم برخی از اهل کتاب را به خاطر امانت داری ستوده است[38]. بنابراین، یکی از مهمترین پایه های زندگی اجتماعی، تعهد به عهد و پیمان و حفظ و ادای امانت است. لازم به ذکر است که در میان مومنان، عامل اصلی که موجب پایبندی به تعهدات و ادای امانت می شود، ایمان به خداوند متعال است.

6- وفای به عهد

از دیگر ویژگیهای اجتماعی مومنان که از زیربناهای روابط اجتماعی نیز محسوب میشود، وفای به عهد است که در قرآن کریم و احادیث به آن میپردازد. عهد، در لغت به معنی نگهداری و مراعات پی در پی در شیء است و پیمان را از آن جهت عهد گویند که مراعات آن لازم است[39]. عهد و پیمان معنای وسیعی دارد که هم شامل عهدهای خصوصی میان افراد در رابطه با مسائل اقتصادی، زناشویی و... می شود و هم

شامل عهد و پیمانهایی که در میان ملتها و حکومتها برقرار میگردد. از آن بالاتر شامل پیمان های الهی و رهبران آسمانی، نسبت به امت ها و امت ها نسبت به آنان نیز میشود[40]. خداوند متعال در آیات فراوانی به رعایت عهد و پیمان توصیه میکند[41].

8- شورا و مشورت

«مشورت» یکی دیگر از مسائل مهم اجتماعی مومنان است، که در اسلام با اهمیت خاصی معرفی میشود؛ زیرا هر شخصی به یک مسئله از بعد خاصي می نگرد و از جنبه خاصی آن را تفسیر می کند و طبیعتا نمیتواند همه ابعاد یک مسئله را درنظر بگیرد، اما وقتی آن مسئله به مشورت گذارده شود، در نهایت همه جوانب آن سنجیده میشود و نواقص آن برطرف می گردد و کارها به شیوه صحیح انجام می شود.

این موضوع در آیات مختلفی مورد تاکید قرار گرفته است[42] واهمیت این موضوع به قدری است که حتي مصلحان دینی بر ایجاد و گسترش اجتهاد شورایی تاکید دارند و گذشته از این، اسلام دینی کامل و همه جانبه است، پس وقتی پیامبر این دین به مشورت با مومنان امر شده، مومنان به طریق اولی موظف به رعایت این اصل مهم در همه امور و مخصوصا امور اجتهادی و اجتماعیاند.

برای امور اجتماعی میتوان زمینه های دیگری نیز از جمله صله ارحام، همسایه داری، یتیم نوازی، احسان به والدین و نزدیکان و مساکین و ... برشمرد که برای جلوگیری از طولانی شدن بحث در این بخش، از تفصیل آن زمینهها چشم پوشی کرده به بحث روابط اخلاقی میپردازیم.

ب- روابط اخلاقی

روابط اخلاقی، جنبهای دیگر از روابط مومنان با یکدیگر در جامعه اسلامی است، که از اهمیت بسزایی برخوردار است. روابط اخلاقی بین مومنان ابعاد گوناگونی را شامل میشود، از این رو به برخی از مهمترین موارد اشاره میگردد:

1. محبت و مودت

مسئله محبت و مودت در حقیقت، رشته پیوند اعضای جامعه انسان ها است و بدون آن برقراری ارتباط میان این اعضا دشوار مینماید. از این رو خداوند متعال، طبیعت انسان را براساس زندگی اجتماعی قرار داده و اسباب این پیوند را نیز در او نهاده است.

یکی از روشن ترین جلوه گاه مودت و محبت،جامعه کوچک خانواده است[43] و نیزهمانند آن، مودت و رحمتی است که در میان افراد جامعه مشاهده میشود. یک مومن وقتی مومن دیگری را میبیند با او انس می گیرد، احساس محبت میکند ، به مسکینان و ناتوانان ترحم می کند و...[44] .

در روایات نیز توصیههای فراوانی بر محبت و مودت بین مومنین شده است؛زیرا هرچه این محبت ریشه

دارتر شود، پیوند میان مومنان نیز محکمتر می گردد و در نتیجه جامعه با شور و نشاط و همدلی به حیات خود ادامه میدهد.

2.حسن خلق و تواضع

حسن به معنای زیبایی و نکویی است و خلق به معنی عادت و طبع و مروت است[45]؛ بنابراین حسن خلق به معنی منش و رفتار و عادتی است که نیکو و خوشایند باشد تواضع نیز از ریشه (و ض ع) به معنی تذلل و نرمی و خضوع است[46]. خلق خوش و تواضع در برخورد با مردم، از مهمترین جنبههای روابط اخلاقی مومنان در جامعه اسلامی است.

درقرآن وروایات، تواضع وحسن خلق وملاطفت در برخوردها بسیار مهم تلقی شده و به آن توصیه می شود. در قرآن کریم سوره لقمان آیه 18، لقمان حکیم فرزندش را به تواضع و فروتنی و خوشرویی توصیه می کند، چرا که از عالی ترین صفات انساني محسوب میشوند و در آیه زیبای دیگری خداوند علت گرایش مومنان به پیامبر مهربان(ص) را اخلاق نیک و نرمی او بیان می کند؛ «فبما رحمه من ا لننت لهم ولو کنت فظا غلیظ القلب لانفضوا من قولک ...»[47] . حضرت علی(ع) نیز ثمره تواضع و فروتنی را محبت و مهربانی میدانند؛ «ثمره التواضع المحبه»[48]

توجه به این نکته که در آیات و روایات، چنین سفارش هایی پیرامون مسئله حسن خلق و تواضع وجود دارد، اهمیت این امر را روشن میسازد. به ویژه این که در روایات، کامل ترین ایمان و یا همنشینی با پیامبر(ص) و ... منوط به عبادت های دشوار و طاقت فرسا دانسته نشده، بلکه خوش خلقی عامل رسیدن به آن مقامات معرفی شده است. گذشته از تاثیرات اخروی که این موضوع به دنبال دارد، کسی که خوشرو و متواضع باشد نه تنها نزد خداوند عزیز است، بلکه پیش مردم نیز بزرگ و دوست داشتنی می شود؛ زیرا تواضع و حسن خلق یکی از بهترین راههای ایجاد محبت بین مومنان است.

3- عفو و گذشت و مدارا با مردم

عفو در لغت به معنی گذشت و بخشودن گناه است[49]. مومنان در جامعه، ناچار از برقراری ارتباط با دیگر مومنان هستند و لازمه برقراری و ادامه هر رابطهای این است که افراد بتوانند از خطاهای یکدیگر چشم پوشی کنند و همدیگر را ببخشند و باهم مدارا و سازش داشته باشند و روابط خود را با دیگران به صورت مسالمت آمیز مدیریت کنند. از این رو، این امر که از فضیلتهای اخلاقی نیز محسوب می شود، در قرآن و سنت مورد تاکید قرار دارد؛ «خذ العفو و امر بالعرف و اعرض عن الجاهلین»[50] و یا در آیه دیگری؛ گذشت از مردم، از ویژگیهای نیکوکاران برشمرده مي شود[51] و همچنین پیامبر اسلام در مورد مدارای با مردم می فرمایند: «راس العقل بعد الایمان با مداراه الناس»[52]

بنابراین، عفو و گذشت و مدارا با مردم؛ از جمله اصول مهم ارتباط اخلاقی مومنان است. چون در هر

رابطهای ممکن است اختلافات و ناراحتیهایی پیش آید ودر این میان آنچه باعث رفع این ناراحتیها و اختلافات می شود، گذشت و مدارا نمودن با دیگران است.

4-آداب معاشرت

مومنان درجامعه اسلامی در ارتباط با سایر مومنان هستند. از این رو دین اسلام به همه جزئیات روابط فردی و اجتماعی نظر داشته و به ارائه راهکار میپردازد، که یکی از این جنبهها توصیههایی در مورد آداب معاشرت مومنان است؛ چنان که میفرماید: «و اذا حییتم بتحیه فحیوا باحسن منها او ردوها...»[53] . دین اسلام، در تلاش دائم برای تحکیم پیوندهای مودت و نزدیکی بین مومنان است وسلام و جوابگویی آن به گونهای بهتر، یکی از راهکارهای ایجاد پیوند و علاقه بین مومنان و تحکیم آن است[54] و نیز، در جنبه دیگری از آداب معاشرت به مومنان توصیه میکند که؛ تا اجازه نگرفتهاید، به خانهای که مال شما نیست، وارد نشوید؛ بعد از اجازه، بر اهل آن سلام گویید و پس از آن وارد شوید[55] و یا در آیات دیگری نیز در رابطه با چگونگی وآداب شرکت در مجالس توصیههایی میکند[56] .

ج- روابط اقتصادی

روابط اقتصادی، یکی دیگر از جوانب مهم روابط مومنان با یکدیگر است؛ زیرا سلامت هر اجتماعی به سلامت اقتصاد آن جامعه نیز بستگی دارد.

خداوند متعال، در قرآن کریم در آیات متعددی پیرامون مسایل اقتصادی جامعه صحبت می کند و به اصولی اشاره می کند که با رعایت آنها بسیاری از مشکلات اقتصادی مرتفع خواهد شد. از جمله آن آیات می توان به آیه زیر اشاره کرد:«یا ایها الذین آمنوا لاتاکلوا اموالکم بینکم بالباطل الا ان تکون تجاره عن تراض منکم و لاتقتلوا انفسکم»[57] و یا در آیات دیگري که اشاره دارد؛ اموال یکدیگر را به ناروا نخورید[58].

اینک که مهمترین اصل اقتصادی اسلام بیان شد، به برخی ابعاد روابط اقتصادی مومنان به صورت اجمالی اشاره میشود:

1-انفاق

انفاق از جمله اصولی است که خداوند متعال جهت سالم ساختن اقتصاد جامعه و کاهش فاصله طبقاتی و برقراری تعادل بین طبقات مختلف مومنان بر عهده آنها نهاده است. خداوند متعال افراد مومن را به انفاق فرمان می دهد و سرپیچی از آن را ظلم و ستم میخواند[59] و در آیه دیگری تاکید دارد که انفاق باید از طیّبات صورت گیرد[60] و نیز در آیهای دیگر میفرماید: هرگز به نیکوکاری نمی رسید تا از آنچه دوست دارید، انفاق کنید[61]. همچنین با تمثیلی زیبا، انفاق را مورد تشویق قرار می دهد و

افزودن چندین برابر را وعده میدهد[62] و در وصف مومنان و متقیان نیز میفرماید: «و مما رزقناکم ینفقون»[63].

در روایات متعددی نیز، بر انفاق تاکید شده است که ؛ غرض از این همه توصیه به انفاق در آیات و روایات، ایجاد جامعهای نیکو و متعادل برای امت اسلامی است، که نیازمندی در آن باقی نماند.

2-زکات

اساسا زکات نوعی مالیات است، که متعلق به جامعه اسلامی است و با شرایط خاص و در صورت رسیدن مال به حد نصاب معینی، باید پرداخت شود. خداوند، پرداخت زکات را باعث پاک شدن اموال و پیدایش خیر و برکت و فزونی مال معرفی کرده[64] و موارد مصرف زکات را نیز در آیه اي بیان میکند[65] . خداوندمتعال، در آیه 7 سوره حشر، نیز یک اصل اساسی دیگر در اقتصاد اسلامی را بیان می کند؛ که جهت گیری اقتصاد اسلامی در عین احترام به مالکیت خصوصی، برنامه را طوری تنظیم می کند که اموال و ثروت ها در دست گروهی محدود متمرکز نشود و همه مردم از آن بهره مند شوند، تا شاهد جامعهای متعادل باشیم[66].

3-خمس

خمس یکی دیگر از برنامههای اقتصاد اسلامی است، که در کنار زکات و برای پایه گذاری اقتصادی سالم و پویا وضع شده است ودر آیه اي از قرآن، موارد وجوب خمس بیان گردیده است[67].

خمس و زکات راهکارهایی هستند، که خداوند متعال هم برای بهبود وضع نیازمندان موجود در جامعه وضع کرده و هم منبع درآمدی برای حکومت اسلامی و تامین هزینه های آن بوجود آورده است.

4- قرض حسن

قرض در اصل به معنی قطع کردن است[68] و وام را قرض گویند؛ زیرا شخص جزئی از مال خود را قطع کرده، به دیگری می دهد؛ به نیت اینکه خود مال، یا بدل آن را بعدا بدهند[69].

قرض دادن یکی دیگر از جوانب روابط اقتصادی میان مومنان است، که در رفع مشکلات اقتصادی آنان و تحکیم پیوند موجود میان آنها نقش بسزایی دارد. در آیه 11 سوره حدید، خداوند برای قرضِ حسن، پاداش بزرگی در نظر میگیرد؛ «من ذالذی یقرض ا قرضا حسناً فیضاعفه له وله اجر کریم»[70]. قرض حسن قرضی است که؛ از مال حلال باشد، برای رضای خدا باشد و منت و آزاری به دنبال آن نباشد[71]، در حد ممکن به صورت پنهانی باشد[72] و ربا نباشد[73].

بنابراین؛ اگر راهکارهایی که شارع در جهت بهبود بخشیدن به اوضاع اقتصادی جامعه و ترقی و پیشرفت هماهنگِ همه اعضای جامعه اسلامی، ارائه داده؛ توسط فرد فرد مومنان به اجرا در آید، دراین صورت جامعه ای سالم و پویا بوجود خواهد آمد و همه مومنان در کنار همدیگر از زندگی متناسبی برخوردار

خواهند بود و از تنش ها در بین آنان کاسته خواهد شد.

د- روابط حقوقی

روابط حقوقی یکی دیگر از جنبههای روابط مومنان با یکدیگر است. مراد از روابط حقوقی، مواردی است که جنبه قانونی دارد و براساس ضوابط و قوانین شرع سازماندهی می شود. روابط حقوقی ابعاد گستردهای را شامل می شود. خداوند در آیه اي مومنان را به ادای شهادت به حق دعوت می کند[74] و یا در وصف نمازگزاران حقیقی میفرماید: «والذین هم بشهاداتهم قائمون»[75] که این نیز اهمیت شهادت دادن را می رساند و در آیه دیگری تحریف یا کتمان شهادت را از بزرگترین مظالم و گناهان برمیشمرد[76]. شهادات، به نوعی امانت نیز محسوب می شوند؛ که با اقامه شهادت حقوق مردم احیا می شود و با ترک و کتمان آن حقوق، باطل و ضایع میگردد[77].

یکی دیگر از روابط حقوقی مومنان، قصاص است. در اسلام هر جراحتی که دارای حد معینی باشد، مشمول حکم قصاص می شود. هدف از تشریع حکم قصاص این است، که مانعی در برابر وقوع جرم و جنایت در جامعه ایجاد کند و بدین ترتیب امنیت در جامعه اسلامی حکمفرما شود.

خداوند متعال، در بیان حکم قصاص میفرماید: «و لکم فی القصاص حیاه یا اولی الالباب لعکم تتقون»[78]. در قرآن کریم و روایات در کنار توصیه به حکم قصاص، به عفو و گذشت نیز سفارش فراوانی شده است و این بدین خاطر است که پایه و اساس دستورات خداوند بر رحمت است.

نتیجه گیری:

دراین مقاله درصدد آن بودیم، اصولی را که فرد مومن باید در ارتباط با دیگر مومنان به کار گیرد، از قرآن مجید استخراج و به بحث و بررسی آن به عنوان راهکاري کاربردي، براي اشاعه منطق گفتگو، در جهت نیل به وحدت امت اسلامي بپردازیم؛ چرا که قرآن مجید به عنوان کتاب آسمانيِ مشتركِ امت اسلامي، مي تواند بهترین راهکارها را براي تقریب و وحدت امت اسلامي ارائه دهد.

درمسیر این تحقیق، به ابعاد رابطه مومنان در جامعه اسلامي، در چهار بُعد روابط اجتماعي، روابط اخلاقي، روابط اقتصادي و روابط حقوقي پرداخته شد وبا ارائه آیاتي در هر زمینه رویکرد قرآن در آن زمینه بیان گردید.

در یك نتیجه گیري اجمالي باید خاطر نشان کنیم، اسلام با اهمیت دادن به بُعد فردي و اجتماعي زندگي انسان، براي هر کدام راهکارهاي کاربردي ومهمي را ارائه مي دهد و در جنبه اجتماعيِ زندگيِ مومنان در جامعه، تاکید بر اخوت وبرادري و رابطه اي بر اساس رحمت دارد.

با سر لوحه قرار دادن این مدل زندگي مومنانه وارتباط مومنان بر اساس تعالیم قرآن کریم و با توجه به این که قرآن به عنوان یکي از مهمترین نقاط مشترك مسلمانان است وهمگان درعمل به دستورات متعالي آن اتفاق نظردارند؛ میتوانیم شاهد پیشرفت هاي چشمگیري در رسیدن به وحدت اسلامي باشیم. به امید

آنكه اين نوشتار قدمي هر چند كوچك در جهت نيل به اين هدف متعالي باشد...

فهرست منابع:


1. قرآن كريم

2. نهج البلاغه، ترجمه على شيروانى، قم، انتشارات دارالعلم، چاپ اول، 1381 ش.

3. ابن ابى الحديد، شرح نهج البلاغه، قم، كتابخانه آيت ا مرعشى، 1404 ق.

4. ابن منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب، بيروت، دار صادر، 1414 ق.

5. برگ، اتو كلاين، ترجمه على محمد كاردان، روان شناسى اجتماعى، تهران، نشر انديشه، 1376 ش.

6. بيهقى، احمد بن حسين، شعب الايمان، بيروت، دار الكتب العلميه، 1410 ق.

7. خسروى حسينى، سيد غلامرضا، ترجمه و تحقيق مفردات الفاظ قرآن كريم، تهران، انتشارات مرتضوى، چاپ دوم، 1375 ش.

8. رادي ميبدي، زهرا، بررسي رابطه مومنان با مومنان از ديدگاه قرآن، پايان نامه كارشناسي ارشد، استادراهنما؛دكترابراهيم اقبال، دانشكده الهيات دانشگاه تهران،1389ش.

9. رازى، ابوالفتوح حسين بن على الخزاعى نيشابورى، تحقيق دكتر محمد جعفر ياحقى و محمد مهدى ناصح، روض الجنان و روح الجنان فى تفسير القرآن، مشهد، بنياد پژوهشهاى اسلامى آستان قدس رضوى، 1408ق.

10. راغب اصفهانى، حسين بن محمد، تحقيق صفوان عدنان داودى، المفردات فى غريب القرآن، بيروت، دارالعلم، چاپ اول، 1412 ق.

11. زحيلى، وحبه بن مصطفى، التفسير المنير فى العقيده و الشريعه و المنهج، بيروت دمشق، دارالفكر المعاصر، چاپ دوم، 1418 ق.

12. ساروخانى، باقر، جامعه شناسى ارتباطات، تهران، نشر اطلاعات، 1376 ش.

13. سيد بن قطب، فى ظلال القرآن، بيروت دار الشرق، چاپه هفدهم، 1412 ق.

14. شريف لاهيجى، محمد بن على، تحقيق مير جلال الدين حسينى ارموى، تفسير شريف لاهيجى، تهران، دفتر نشر داد، چاپ اول، 1373 ش.

15. طباطبايى، سيد اشرف الدين، اخلاق رفتار و صفات مومن، تهران، نشر بهراد، 1381 ش.

16. طباطبايى، سيد محمدحسين، الميزان فى تفسير القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامى جامعه مدرسين حوزه علميه، چاپ پنجم، 1417 ق.

17. طبرسى، حسن بن فضل، مكارم الاخلاق، قم، انتشارات شريف رضى، 1412 ق.

18. همو، تحقيق محمد جواد بلاغى، مجمع البيان فى تفسير القرآن، تهران، نشر ناصرخسرو، چاپ سوم، 1372 ش.

19.طبرسی، علی بن حسن، مشکاه الانوار فی غرر الاخبار، نجف، کتابخانه حیدریه، 1385 ق.

20. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، قم، نشر هجرت، چاپ دوم، 1410 ق.

21. فخر رازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم، 1420 ق.

22. قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چاپ ششم، 1371 ش.

23. همو، احسن الحدیث، تهران، بنیاد بعثت، چاپ سوم، 1377 ش.

24. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، 1368 ش.

25. مدرسی، محمد تقی، تفسیر هدایت، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377 ش.

26. مکارم شیرازی، ناصر، الامثل فی تفسیر کتاب ا المنزل، قم، مدرسه امام علی بن ابی طالب، چاپ اول؛ 1421 ق.

27. همو، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول، 1374 ش.

28. مهیار، رضا، فرهنگ ابجدی عربی- فارسی، بی جا، بی نا، بی تا.

---

[1] ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب،ج13، ص21 ؛ راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن،ج1، ص90؛ فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین،ج8، ص388

[2] ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب،ج1، ص150

[3] قرآن کریم ، سوره مائده، آیه69

[4] ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب،ج13، ص23

[5] طبرسی، حسن بن فضل، مجمع البیان فی تفسیر القرآن،ج1 ،ص120

[6] طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن،ج1، ص45

[7] ساروخانی، باقر، جامعه شناسی ارتباطات،ص20-19

[8] همان.

[9] رك: برگ، اتو كلاين، روان شناسی اجتماعی،ص503و519

[10] راغب اصفهانی، حسين بن محمد، المفردات فی غريب القرآن،ج1، ص347

[11] قرآن كريم، سوره فاتحه الكتاب، آيات3-1 و سوره انعام، آيه12 و سوره اعراف، آيه156

[12] قرآن كريم، سوره انبياء، آيه10

[13] قرآن كريم، سوره فتح، آيه29

[14] قرآن كريم، سوره فتح، آيه29

[15] قرآن كريم، سوره حجرات، آيه10

[16] قرآن كريم، سوره نور، آيه22

[17] قرآن كريم، سوره آل عمران، آيه110

[18] قرآن كريم، سوره حجرات، آيه10

[19] نهج البلاغه،نامه47، ص501

[20] قرآن كريم، سوره آل عمران، آيه 103

[21] قرآن كريم، سوره حشر، آيه10

[22] رك: سيد بن قطب، فی ظلال القرآن،ج6، ص3345

[23] قرشی، سيد علی اكبر، قاموس قرآن،ج4 ،ص301 ؛ مهيار، رضا، فرهنگ ابجدی عربی- فارسی،ص602

[24] قرآن کریم، سوره مائده ، آیه8

[25] سید بن قطب، فی ظلال القرآن،ج2، ص852

[26] قرآن کریم، سوره توبه ، آیه71

[27] طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن،ج3، ص372

[28]قرآن کریم، سوره آل عمران ، آیه104

[29] قرآن کریم، سوره آل عمران ، آیه110

[30] طبرسی، حسن بن فضل، مجمع البیان فی تفسیر القرآن،ج2 ،ص881

[31] قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن،ج4 ،ص142

[32] قرآن کریم، سوره حجرات، آیه9 وسوره انفال، آیه1

[33] کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی،ج7، ص51

[34] قرآن کریم، سوره مومنون، آیه8

[35] مدرسی، محمد تقی، تفسیر هدایت،ج8 ،ص153

[36] قرآن کریم، سوره انفال، آیه27

[37] قرآن کریم، سوره نساء، آیه58

[38] قرآن کریم، سوره آل عمران، آیه75

[39] قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن،ج5 ،ص59

[40] مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه،ج12، ص110و111

[41] قرآن کریم، سوره انعام، آیه 152 و سوره بقره، آیه177 و سوره احزاب، آیه23 و سوره آل عمران، آیه76 و سوره اسراء، آیه34 و...

[42] قرآن کریم، سوره شوري، آیه 38 و سوره آل عمران، آیه159 و...

[43] قرآن کریم، سوره روم، آیه 21

[44] رك: طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن،ج16، ص166

[45] قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن،ج2 ،ص135 و ص293

[46] فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین،ج2 ،ص196

[47] قرآن کریم، سوره آل عمران، آیه159

[48]ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج20، ص296

[49] قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن،ج5 ،ص19

[50] قرآن کریم، سوره اعراف، آیه199

[51] قرآن کریم، سوره آل عمران، آیه134

[52] بیهقی، احمد بن حسین، شعب الایمان،ج6 ،ص344

[53] قرآن كريم، سوره نساء، آيه86

[54] رك: سيد بن قطب، فى ظلال القرآن،ج2، ص726

[55] قرآن كريم، سوره نور، آيه27

[56] قرآن كريم، سوره مجادله، آيه11 ؛ سوره أحزاب، آيه53 و...

[57] قرآن كريم، سوره نساء، آيه29

[58] قرآن كريم، سوره بقره، آيه188

[59] قرآن كريم، سوره بقره، آيه154

[60] قرآن كريم، سوره بقره، آيه267

[61] قرآن كريم، سوره آل عمران، آيه92

[62] قرآن كريم، سوره بقره، آيه261

[63] قرآن كريم، سوره بقره، آيه3

[64] قرآن كريم، سوره توبه، آيه103

[65] قرآن كريم، سوره توبه، آيه60

[66] رك: قرآن كريم، سوره حشر، آيه7

[67] قرآن كريم، سوره انفال، آيه41

[68] ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب،ج7، ص216

[69] قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن،ج5 ،ص307

[70] قرآن کریم، سوره حدید، آیه11

[71] قرآن کریم، سوره بقره، آیه264

[72] قرآن کریم، سوره بقره، آیه271

[73] قرآن کریم، سوره بقره، آیه278

[74] قرآن کریم، سوره نساء، آیه135

[75] قرآن کریم، سوره معارج، آیه33

[76] قرآن کریم، سوره بقره، آیه140

[77] فخر رازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، ،ج30 ،ص646

[78] قرآن کریم، سوره بقره، آیه179